

تأثیر فرصت سرمایه گذاری صنایع، گستردگی و همگنی آن در ارتباط بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی

محمود موسوی شیری *

زهرا موحدی نسب **

چکیده

در این مقاله پژوهشگر به دنبال بررسی تأثیر فرصت سرمایه گذاری صنایع، گستردگی و همگنی آن در ارتباط بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی بین سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ برای ۷۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد، نتایج حاصل از تحلیل فرضیه ها نشان می دهد که در تعیین حق الزحمه حسابرسی به فرصت سرمایه گذاری خاص شرکت ها، همگنی و گستردگی فرصت سرمایه گذاری صنایع توجه نمی شود، همچنین چون سرمایه گذاران در سطح مطلوبی، از گزارش های حسابرسی استفاده نمی کنند دلیلی وجود ندارد تا هزینه بیشتری صرف گزارش های دقیق تر کنند و از متخصصان صنعت استفاده کنند. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و برای تحلیل داده ها از روش پانلی با اثرات ثابت استفاده شده است، آزمون آماری با استفاده از نرم افزار R صورت گرفته است. همچنین نتایج نشان می دهد که فرصت سرمایه گذاری خاص شرکت ها، همگنی و گستردگی فرصت سرمایه گذاری صنایع در ارتباط بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی معنادار نیستند.

کلمات کلیدی: گستردگی فرصت سرمایه گذاری، همگنی فرصت سرمایه گذاری، حق الزحمه حسابرسی،

تخصص حسابرس

* دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، مشهد

** مربی گروه حسابداری، دانشگاه بزرگمهر، قاین movahhedi.zahra@yahoo.com

مقدمه

دنیای تجاری و حرفه ای امروز دستخوش تحولات بسیاری گردیده است. جهانی شدن نه تنها به تجارت، بلکه به حرفه های مختلف نیز تسری یافته است، این بدان معنا است که تقاضا برای دقت نظر بیشتر نسبت به نتیجه کارهای حرفه ای و میزان هزینه آن افزایش یافته است (حساس یگانه و طبری، ۱۳۸۲). با رشد رقابت در حرفه حسابرسی، موسسات حسابرسی ضرورت ارائه خدمات با کیفیت هر چه بهتر و بهای کمتر به بازار را بیشتر دریافتند، موسسات حسابرسی برای رقابت بر پایه ای به غیر از کیفیت و متفاوت کردن خدمات، به دنبال بهینه نمودن حق الزحمه خود و بهترین پیشنهاد برای آن هستند بدین ترتیب که هم درآمد خود را حداکثر کنند و هم کار را در شرایط رقابتی از دست ندهند (چوی و همکاران، ۲۰۰۸).

حق الزحمه حسابرسی منعکس کننده هزینه های اقتصادی حسابرسان کارآمد است. از منظر حسابرسی، حسابرسان به دنبال حداقل کردن کل هزینه ها از طریق تراز کردن هزینه های منابع خود و زیان های آتی ناشی از بدهی قانونی هستند (کارسلو و همکاران، ۲۰۰۲). حق الزحمه حسابرسی با ساعات کاری حسابرسان ارتباط مستقیمی دارد (بال و همکاران، ۲۰۱۲) و شرط ضروری برای اطمینان نسبت به کیفیت حسابرسی است (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳).

کیفیت پایین حسابرسی موجب کاهش اعتماد استفاده کنندگان صورت های مالی می شود و این امر نه تنها منجر به ناکامی از دستیابی به اهداف حسابرسی می شود، بلکه موجب کاهش اعتبار فرآیند حسابرسی در ابعاد کلان خواهد شد و مانع از تخصیص بهینه سرمایه در بازار اوراق بهادار و افزایش هزینه سرمایه و تامین مالی می شود (رجبی، ۱۳۸۳). حسابرسان متخصص، حسابرسی با کیفیت تری ارائه می دهند (دوئلمن و همکاران، ۲۰۱۵). خدمات حسابرسی یک کالای مطلوب اقتصادی برای صاحبکار محسوب می گردد. در نتیجه حق الزحمه حسابرسی برای صاحبکار تابعی از هزینه و منفعت است. اگر چه صاحبکار به خاطر ایفای تعهد قانونی خود در قبال استفاده کنندگان صورت های مالی ناگزیر از حسابرسی است، تعیین عوامل موثر بر هزینه حسابرسی به صاحبکار کمک می کند منافع این خدمت را بهتر درک کند و بداند این هزینه را به خاطر چه چیزی متحمل می شود (نیک بخت و تنانی، ۱۳۸۹). همچنین حسابرسی خدمتی است که صاحبکاران می توانند تا حدی حسابرسان، دامنه حسابرسی و حتی اندازه و کیفیت حسابرسی را تعیین کنند (بال و همکاران، ۲۰۱۲).

فرصت سرمایه گذاری یکی از ابزارهای رشد در اختیار مدیران است که می تواند در نظر گرفته شود یا مورد غفلت قرار گیرد (رضایی و گرکز، ۱۳۹۲). فرصت های سرمایه گذاری در واقع توانایی بالقوه سرمایه گذاری های شرکت را نشان می دهد (مایرز، ۱۹۷۷). همچنین فرصت های سرمایه گذاری در جذب متخصصان صنعت برای حسابرسی به خصوص زمانی که همگنی فرصت های سرمایه گذاری افزایش می یابد نقش قابل توجهی دارد (کاهان و همکاران، ۲۰۱۱). همگنی فرصت سرمایه گذاری باعث می شود حسابرسان شناخت خاص صنعت را

بیشتر گسترش دهند زیرا سطح شناخت برای مشتریان نزدیک به هم مشابه است و منجر به کاهش حق الزحمه حسابرسی می شود، اما شرکت هایی که به شدت متمایز هستند، سرمایه گذاری حسابرسی در دانش مرتبط با صنعت کمتر قابل کاربرد خواهد بود (کاهان و همکاران، ۲۰۱۴).

با شناسایی عوامل موثر بر حق الزحمه دریافتی حسابرسی، می توان سیاست های مناسبی برای برخی از مسائل پیش روی حرفه حسابرسی تدوین کرد و به منظور افزایش قدرت پیش بینی سرمایه گذاران و کاهش ریسک شرکت، توجه به فرصت های سرمایه گذاری می تواند بسیار مفید و حائز اهمیت باشد (تهرانی و نوربخش، ۱۳۸۲) و به مدیران، سرمایه گذاران و تحلیل گران کمک قابل توجهی می کند. به منظور افزایش سطح کیفیت حسابرسی و مطلوبیت ارائه گزارش های حسابرسی و عدم ارائه صورت های مالی جانبدارانه، وجود حسابرسان متخصص و معتبر لازم و ضروری است. همچنین با در نظر گرفتن فرصت های سرمایه گذاری صنایع، همگنی و گستردگی آن، می توان حق الزحمه حسابرسی مطلوبی را ارائه کرد و در مقابل شفافیت عملکرد بهتری را به بدست می آورند که مورد اعتماد و اطمینان استفاده کنندگان خواهد بود.

در پژوهش های مختلف به رابطه تخصص و حق الزحمه حسابرسی پرداخته شده است در این پژوهش به توجه به اهمیت فرصت سرمایه گذاری و جنبه های مختلف آن، بدنبال تعیین نقش آن بر ارتباط بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی هستیم.

مبانی نظری پژوهش

فرصت سرمایه گذاری، تخصص و حق الزحمه حسابرسی

سرمایه گذاری نقش تعیین کننده ای در رشد اقتصاد کشورها دارد و باعث بهبود عملکرد و افزایش ارزش شرکت ها می شود به همین دلیل شرکت ها به دنبال جذب اعتماد سرمایه گذاران می باشند، از این رو با استفاده از حسابرسان متخصص گزارشگری با کیفیت تری را ارائه می کنند، بعلاوه حسابرسان متخصص نیز حداقل برای حفظ شهرت و سهم خود از بازار، از گزارش هیچ اشتباه یا تحریف با اهمیتی غافل نمی شوند، پس به نظر می رسد بین فرصت سرمایه گذاری، تخصص و حق الزحمه ارتباط وجود داشته باشد.

ژول و تسوی (۲۰۰۳) در بررسی های خود به این نتیجه رسیدند که شرکت هایی با فرصت رشد بالا می توانند برای حسابرسی مشکل تر باشند، آنها ضریب بالاتر ارزش بازار (شامل فرصت های سرمایه گذاری آینده) به دارایی ها را در دسترس دارند بنابراین دارای ارزش نامشهود بالاتری هستند، که شناسایی، اندازه گیری و حسابرسی آنها مشکل تر است. همچنین رفتار فرصت طلبانه در شرکت ها با رشد بالا هنگامی که فعالیت های مدیریت برای مشاهده مشکل است به طور خاص می تواند حق الزحمه حسابرسی را افزایش دهد. گریفین و همکارانش (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط بین جریان های نقدی آزاد، فرصت های رشد با حق الزحمه حسابرسی پرداختند، جریان های نقدی و فرصت رشد، ریسک ذاتی حسابرسی و تلاش حسابرسان برای دستیابی به سطح معقول ریسک

حسابرسی را تحت تاثیر قرار می دهند. همچنین این محققان استدلال کردند که وجود میزان بهینه ی بدهی، تقسیم سود بالا و همچنین بازخرید سهام شرکت، باعث کاهش جریان های نقد آزاد در دسترس و میزان حق الزحمه درخواستی حسابرس می شود.

های وجیتر (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند زمانی که حسابرسان متخصص باشند، رویه حسابرسی را به صورت اثر بخشی اجرا می کنند. صاحبکاران تمایلی به هدر دادن وقت خود برای آموزش و تفسیر ساز و کار خود به حسابرسان ندارند و این در حالی است که حسابرسان متخصص زمان زیادی از مدیریت و کارکنان صاحبکار را برای درک عملیات و ماهیت صنعتی که در آن فعالیت دارند را هدر نمی دهند. بنابراین، حق الزحمه ی کل حسابرسی موسسات متخصص با در نظر گرفتن مزایای آن برای صاحبکار نسبت به موسسات غیر متخصص به صرفه تر است.

کارسون و فارگر (۲۰۰۷) تمرکز بر روی قدرت چانه زنی در حوزه حق الزحمه حسابرسان متخصص در یک صنعت دریافتند که شرکت های صنعتی کوچک بر عکس شرکت های صنعتی بزرگ حق الزحمه حسابرسان را متناسب با تخصص صنعتی آنها می پردازند و معتقدند شرکت های بزرگ، قدرت چانه زنی بالا دارند و این مزیت سبب می شود که حق الزحمه بالای ناشی از تخصص صنعتی حسابرسان را خنثی کنند. کاهان و همکاران (۲۰۱۱) تاثیر حق الزحمه و کیفیت حسابرسی را بر مشتریان صنعت که توسط متخصصان حسابرسی شده است، آزمون کردند. نتایج نشان داد که مازاد تخصص و کیفیت حسابرسی در صنایع زمانی که متخصص بخش کوچکی از مشتریان صنعت را حسابرسی می کند، بالاتر است. کریم (۲۰۱۰) قیمت گذاری خدمات حسابرسی و نوع حسابرسی را در کشور بنگلادش بررسی کرده است. بر اساس نتایج تحقیق اندازه شرکت، ریسک حسابرسی و نوع حسابرسی بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی موثر می باشند.

گسترده‌گی فرصت سرمایه گذاری ، تخصص و حق الزحمه حسابرسی

شرکت های با فرصت های سرمایه گذاری گسترده نیاز به کیفیت بالای حسابرسی برای جلوگیری از مدیریت سود دارند در نتیجه وجود حسابرسان متخصص لازم است همچنین با افزایش فرصت سرمایه گذاری کار حسابرسی سخت تر و نیاز به زمان بیشتری برای حسابرسی دارند، که منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می شود . به نظر می رسد بین گسترده‌گی فرصت سرمایه گذاری، تخصص و حق الزحمه حسابرسی ارتباط وجود داشته باشد.

کاهان و همیلتون (۲۰۰۸) در پژوهشی به رابطه بین مجموعه فرصت های سرمایه گذاری با تخصص حسابرس برای هر صنعت پرداختند به این نتیجه رسیدند که تخصص حسابرس در سطوح مجموعه فرصت های سرمایه گذاری صنعت در حال افزایش و تغییر پذیری مجموعه فرصت سرمایه گذاری درون خود هر صنعت، در حال کاهش است پس حسابرس داخلی با کسب تخصص های لازم در سطوح مختلف سرمایه گذاری می تواند

تغییرپذیری هر چه بیشتر فرصت های سرمایه گذاری را کمتر کند و شرکت را در یک چهار چوب مشخص برای انتخاب سرمایه گذار قرار می دهد که احتمال شکست در انتخاب آن سرمایه گذاری کاهش خواهد یافت. کام (۲۰۰۹) در تحقیقی ارتباط شرکت ها با فرصت های سرمایه گذاری بالا را با کیفیت حسابرسی بالا و این مهم را مورد بررسی قرار داد که آیا این ارتباط منتج به احتمال پائینی برای مدیریت سود می شود. شرکتی با فرصت سرمایه گذاری بالا می تواند متقاضی کیفیت بالای حسابرسی برای جلوگیری از مدیریت سود باشد، از طرفی حسابرسان پنج موسسه بزرگ به دلیل بالا بودن خطر از دست دادن استقلال حسابرسی، کیفیت حسابرسی بالایی را ایجاد خواهند کرد که محدود کننده ای برای مدیریت سود شرکت هایی است، که فرصت های سرمایه گذاری بالایی دارند. نتایج تحقیق به شرح زیر است: اول اینکه شرکت ها با فرصت سرمایه گذاری بالا انگیزه زیادی به استفاده از حسابرسی موسسات پنج بزرگ نسبت به شرکت های با فرصت سرمایه گذاری پائین دارند و دوم اینکه شرکت ها با فرصت سرمایه گذاری بالا، تمایل زیادی برای ارائه اقلام تعهدی اختیاری دارند، این رابطه وقتی پائین است که حسابرسان آنها یکی از پنج موسسه بزرگ باشد. کرنی و یانگ (۲۰۰۶) و کاهان و همکاران (۲۰۰۸) معتقدند که ناهمگونی درون صنعت موجب دشوارتر شدن تخصصی سازی صنعت می شود و با افزایش فرصت های سرمایه گذاری شرکت، اطلاعاتی که حسابرسان متخصص در مورد فرصت های سرمایه گذاری شرکت دارد کم ارزش تر خواهد شد.

با توجه به مطالب بالا به تبیین فرضیه دوم می پردازیم: که گستردگی فرصت سرمایه گذاری صنایع بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی تاثیر می گذارد.

تاثیر همگنی فرصت سرمایه گذاری بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی

همگنی فرصت سرمایه گذاری باعث می شود حسابرسان شناخت خاص صنعت را بیشتر گسترش دهند زیرا سطح شناخت برای مشتریان نزدیک به هم مشابه است و ممکن است منجر به کاهش حق الزحمه حسابرسی می شود پس به نظر می رسد بین همگنی فرصت سرمایه گذاری، تخصص و حق الزحمه ارتباط وجود دارد.

گادفری و همیلتون (۲۰۰۵) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که افزایش همگنی فرصت سرمایه گذاری منجر به کاهش حق الزحمه حسابرسی می شود. شرکت ها در صناعی با فرصت های سرمایه گذاری بالا، به خصوص زمانی که دارای فرصت های سرمایه گذاری مشابهی هستند، رقابت زیادی دارند. در نتیجه مشتریان این شرکت ها اجتناب می کنند از اینکه حسابرسان یکسانی را انتخاب کنند چون ممکن است در صنایع مشابه رقبا از اطلاعات اقتصادی آنها نفع ببرند که این هزینه بسیار بالایی را برای مشتریان به دنبال خواهد داشت. کیون (۱۹۹۶) نشان داد که افزایش سطح و همگنی فرصت سرمایه گذاری منجر خواهد شد شرکت ها در برخی موارد حسابرسانی متفاوت از سایر رقبا انتخاب کنند که این سبب افزایش حسابرسان متخصص در صنعت می شود. گادفری و همیلتون (۲۰۰۵) بیان کردند اگر سطح و همگنی فرصت سرمایه گذاری بالا باشد متخصصان تولیدات

متفاوت و با کیفیت تری ارائه می کنند که بر ارزش مشتریان می افزاید زیرا شناخت صنعت خیلی گسترده تر می شود، همچنین متخصصان سهم بازار بیشتری به دست می آورند و قدرت بازار را در دست می گیرند.

کرنی و یانگ (۲۰۰۶) در پژوهش خود نشان دادند که صنایع همگن مشتریان بهتری برای متخصصان هستند زیرا حسابرسان می توانند از رویکرد یکسانی برای بررسی فرصت های سرمایه گذاری آنها استفاده کنند، همچنین شرکت هایی که دارای سطح همگنی از فرصت سرمایه گذاری هستند چون همگنی بازار بزرگتری را برای گسترش هزینه های تولید فراهم می کند که می توان از تفاوت های کیفیت حسابرسی در آن بهره مند شد. با توجه به مطالب بالا به تبیین فرضیه سوم می پردازیم: که همگنی فرصت سرمایه گذاری صنایع بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی تاثیر می گذارد.

تاثیر همگنی و گستردگی فرصت سرمایه گذاری بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه

حسابرسی

زمانی که گستردگی فرصت های سرمایه گذاری همگن باشد با توجه به مطالبی که در فرضیه های قبلی بیان شد ممکن است تاثیر مثبت یا منفی بر حق الزحمه حسابرسی بگذارد پس بین همگنی و گستردگی فرصت سرمایه گذاری، تخصص و حق الزحمه رابطه وجود دارد.

یکی از عوامل اساسی در تعیین تخصص حسابرس، فرصت سرمایه گذاری صنایع است که بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی نیز تاثیر دارد. همچنین حق الزحمه حسابرسی با سطح و همگنی فرصت سرمایه گذاری ارتباط دارد، حسابرسان متخصص در صناعی با فرصت سرمایه گذاری بالاتر به خاطر هزینه شناخت خاص صنعت، ریسک بیشتر و زمان اضافی برای حسابرسی حق الزحمه بیشتری دریافت می کنند (کاهان و همکاران، ۲۰۰۸). فرانسیز و سویی (۲۰۱۲) همسو با کاهان و همکاران (۲۰۰۸) استدلال می کنند زمانی که صنعت پیشرفته تر باشد، مهارت حسابرسان متخصص صنعت اهمیت بیشتری پیدا می کند، در نتیجه حسابرسی که جهت انجام حسابرسی تخصصی صنایع پیشرفته انتخاب می شود حق الزحمه بیشتری خواهد داشت.

همانطور که فرصت سرمایه گذاری خاص شرکت افزایش می یابد، فرصت رشد مشتریان متفاوت تر، کار حسابرسی سخت تر و ریسک حسابرسی بیشتر می شود و حسابرس نرخ بازده بالاتری نیاز دارد، به علاوه حسابرس باید مدیریت سود بالقوه را در نظر بگیرند (کریشان و یانگ، ۲۰۰۳). کاهان و همکاران (۲۰۱۱) با بررسی فرصت های سرمایه گذاری صنعت و همگن بودن این فرصت ها دریافتند، مازاد قابل دریافت ناشی از تخصص در صنعت با افزایش فرصت های سرمایه گذاری صاحبکار، کاهش می یابند.

با توجه به مطالب بالا به تبیین فرضیه چهارم می پردازیم: که همگنی و گستردگی فرصت سرمایه گذاری صنایع توأم بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی تاثیر می گذارد.

پیشینه تحقیق

دوئل من و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود بیان کردند حق الزحمه حسابرسی یکی از مهمترین عواملی است که بر تصمیمات انتخاب حسابرس توسط مدیران تاثیر می گذارد و حسابرسان غیر متخصص حق الزحمه کمتری مطالبه می کنند.

کریستینا و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان دادند که بین تخصص حسابرس و حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبتی وجود دارد.

کاهان و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان ارتباط بین فرصت سرمایه گذاری و حق الزحمه حسابرسی به این نتیجه رسیدند که بین حق الزحمه حسابرسی و سطح گستردگی فرصت سرمایه گذاری ارتباط مثبتی وجود دارد همچنین نشان دادند زمانی که گستردگی فرصت سرمایه گذاری همگن باشد حق الزحمه حسابرسی پایین تر است.

بیلز و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان دادند زمانی که یک صنعت دارای ویژگی های همگنی عملیاتی و پیچیدگی حسابداری باشد، حسابرسان متخصص نسبت به حسابرسانی که در دیگر صنایع مشغول به کار هستند، بخشی از صرفه جویی ناشی از مقیاس خود را به صاحبکاران منتقل می کنند که منجر به تخفیف در حق الزحمه دریافتی می شود.

کاهان و همکاران (۲۰۱۱) با بکارگیری داده ها در سطح صنعت دریافتند که تخصص در صنعت زمانی با اهمیت تر است که مجموعه فرصت های سرمایه گذاری صنعت، بیشتر و همگن تر است همچنین حق الزحمه حسابرسی به طور مثبتی با سطح و درجه همگنی فرصت های سرمایه گذاری صنعت مرتبط است. وان چی و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی پیشرفته و مدیریت واقعی سود در ۱۸۰۰ شرکت طی زمان ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ پرداخته که آنها در تحقیق خود دریافتند که حسابرسان متخصص در صنعت و حسابرسان بزرگ حق الزحمه بیشتری را نسبت سایر حسابرسان دریافت می کنند.

وانگ و اقبال (۲۰۰۹) به بررسی حق الزحمه حسابرسی با تمرکز بر تخصص صنعتی در چین پرداخته است، نتایج آن نشان می دهد که چهار موسسه بزرگ حسابرسی که دارای تخصص صنعتی هستند حق الزحمه بالاتری در مقایسه با حسابرسان غیر متخصص دریافت می کند.

لاونسون و همکاران (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند که هیچ رابطه معناداری بین تخصص و سطح حق الزحمه های حسابرسی دریافتی توسط موسسات حسابرسی وجود ندارد. یافته های آنها نشان می دهد که به عنوان یک سیاست، شرکت های محلی نسبت به دیگر شرکت ها ممکن است در تعامل بیشتری با حسابرسان متخصص باشند.

گادفری و همیلتون (۲۰۰۵) همگنی فرصت سرمایه گذاری صنایع باعث می شود حسابرسان شناخت خاص صنعت را بیشتر گسترش دهند زیرا سطح شناخت برای مشتریان نزدیک به هم (همگن) ثابت است و منجر به کاهش هزینه تولیدات می شود، زیرا بخشی از هزینه ها بین مشتریان تقسیم می شود در نتیجه افزایش همگنی منجر به کاهش بالقوه حق الزحمه می شود.

مایهو و ویلکینز (۲۰۰۳) به بررسی نقش تخصص صنعتی موسسه حسابرسی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تخصص صنعتی حسابرس (با سهم بازار بالا و کیفیت حسابرسی متمایز) بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر دارد، آنان می گویند که تخصص صنعتی از طریق صرفه جویی در مقیاس اقتصادی موجب کاهش بهای تمام شده حسابرسی می شود.

واعظ و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر فرصت سرمایه گذاری صاحبکار بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند، نتایج پژوهش نشان می دهد که رابطه بین فرصت سرمایه گذاری صاحبکار با حق الزحمه حسابرسی رابطه معنادار و منفی است و همچنین فرصت سرمایه گذاری به طور منفی و معناداری بر مازاد حق الزحمه ناشی از تخصص تاثیر می گذارد.

علوی، رباطی و یوسفی اصل (۱۳۹۱) ارتباط بین جریان نقد آزاد و حق الزحمه ی حسابرسی را با توجه به فرصت های رشد، میزان سود تقسیمی و اهرم مالی، بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد، که در ایران جریان های نقد آزاد و فرصت های رشد در تعیین حق الزحمه حسابرسی از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار نیست.

فرضیه های تحقیق

فرضیه ۱: فرصت سرمایه گذاری بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی تاثیر می گذارد.

فرضیه ۲: گستردگی فرصت سرمایه گذاری صنایع بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی تاثیر می گذارد.

فرضیه ۳: همگنی فرصت سرمایه گذاری صنایع بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی تاثیر می گذارد.

فرضیه ۴: همگنی و گستردگی فرصت سرمایه گذاری صنایع توأم بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی تاثیر می گذارد.

روش پژوهش

این پژوهش براساس هدف از نوع کاربردی و از لحاظ روش گردآوری اطلاعات، از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی بوده و هدف اصلی آن تعیین وجود، میزان و نوع رابطه بین متغیرهای مورد آزمون است. در

این تحقیق برای جمع آوری داده ها ابتدا از طریق منابع کتابخانه ای، نشریات، مقالات، پایان نامه های دانشجویی و سایت های علمی، ادبیات و نظریه های مربوط به موضوع تحقیق تدوین گردیده است. سپس مرحله اصلی تحقیق از طریق استخراج اطلاعات از صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. صورت های مالی اساسی شرکت های مورد آزمون که از طریق سایت اینترنتی سازمان بورس، کودال و نرم افزار رهاورد نوین برای سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ دریافت و مورد استفاده قرار می گیرد. داده های جمع آوری شده در نهایت با استفاده از نرم افزار EXCEL محاسبه و با نرم افزار R مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

جامعه آماری

جامعه مورد مطالعه کلیه شرکت های پذیرفته شده عضو بورس اوراق بهادار تهران است.

در این پژوهش محدودیت ها به شرح زیر برای انتخاب شرکت های مورد نظر اعمال شده است:

- ۱- شرکت هایی که از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته باشند.
 - ۲- پایان سال مالی شرکت ها ۲۹ اسفند هر سال باشد، تا بتوان اعداد و ارقام صورت های مالی را با یکدیگر مقایسه کرد و اینکه عموم شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ۲۹ اسفند را به عنوان پایان سال مالی انتخاب می کنند.
 - ۳- جز شرکت های سرمایه گذاری، هلدینگ، بانک ها، واسطه گری مالی و لیزینگ نباشند، چون نوع فعالیت این شرکت ها متفاوت از سایر شرکت های حاضر در بورس است.
 - ۴- اطلاعات مالی شرکت در طی سال های قلمروی زمانی پژوهش در دسترس باشد.
 - ۵- شرکت ها دارای تابلو فرعی و غیررسمی بورس نباشند، تابلو اصلی از نقدشوندگی و شفافیت بیشتری برخوردار است که در تابلو فرعی کاهش می یابد.
- با مد نظر قرار دادن محدودیت های فوق جامعه آماری این تحقیق شامل ۷۵ شرکت می باشد.

مدل آزمون فرضیه ها

به منظور آزمون فرضیه های تحقیق از مدل زیر استفاده می شود:

$$\text{INFEES}_{it} = a_0 + a_1 \text{FIOS}_{it} + a_2 \text{SPEC}_{it} * \text{FIOS}_{it} + a_3 \text{SPEC}_{it} + a_4 \text{ILOS}_{kt} + a_5 \text{HIOS}_{kt} + a_6 \text{ILOS}_{kt} * \text{HIOS}_{kt} + a_7 \text{SPEC}_{it} * \text{ILOS}_{kt} + a_8 \text{SPEC}_{it} * \text{HIOS}_{kt} + a_9 \text{SPEC}_{it} * \text{ILOS}_{kt} * \text{HIOS}_{kt} + a_{10} \text{LNASSETS}_{it} + a_{11} \text{CATA}_{it} + a_{12} \text{DE}_{it} + a_{13} \text{ROA}_{it} + a_{14} \text{QUICK}_{it} + a_{15} \text{LNSUB}_{it} + a_{16} \text{FOREIGN}_{it} + a_{17} \text{LOSS}_{it} + a_{18} \text{OPINION}_{it} + a_{19} \text{BIG}_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای وابسته

INFEES_{it} = برابر است با لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی برای شرکت i در زمان t

متغیرهای مستقل

FIOS نشان دهنده فرصت سرمایه گذاری خاص شرکت است که طبق الگو (بابر، ۱۹۹۶) به صورت زیر برای هر سال- شرکت اندازه گیری می شود: مجموع مخارج سرمایه ای و هزینه تحقیق و توسعه برای سال $t-2$ تا t تقسیم بر مجموع هزینه استهلاک از سال $t-2$ تا t ، که مخارج سرمایه ای بر اساس تغییرات دارایی ثابت هر سال نسبت به سال قبل محاسبه شده است و هزینه تحقیق و توسعه از یادداشت های توضیحی صورت های مالی استخراج گردیده است.

SPEC = متغیر مجازی برای حسابرسی متخصص در صنعت است. اگر توسط حسابرس متخصص حسابرسی شده باشد ۱ در غیر این صورت ۰، تخصص حسابرس در صنعت با استفاده از دو رویکرد سهم بازار و سهم پرتفوی موسسه حسابرسی محاسبه می شود که در این تحقیق از رویکرد سهم بازار استفاده می شود. چون در تحقیق اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸) نیز این رویکرد مورد تاکید قرار گرفته همچنین جمع آوری اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه تخصص در صنعت حسابرس با استفاده از رویکرد سهم پرتفوی موسسه حسابرسی در ایران با مشکلات فراوانی رو به رو است. سهم بازار حسابرسان به صورت زیر محاسبه می شود: مجموع دارایی های تمام صاحبکاران یک موسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی های صاحبکاران در این صنعت و با پیروی از (پالم رز، ۱۹۸۶) موسساتی در این تحقیق به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می شوند که سهم بازارشان بیش از $\frac{1}{2} \times \frac{1}{N_K}$ باشد. که N_K تعداد شرکت های موجود در صنعت k ام است.

IOS = فرصت سرمایه گذاری صنعت را نشان می دهد و برای محاسبه آن هر سال میانه مقادیر فرصت سرمایه گذاری خاص شرکت های (FIOS) هر صنعت را تعیین می کنیم. میانه معیاری است از گستردگی فرصت سرمایه گذاری و جایی که مقدار بالاتری دارد یعنی گستردگی فرصت سرمایه گذاری آن صنعت بیشتر است.

HIOS = همگنی فرصت سرمایه گذاری صنعت را نشان می دهد و برای محاسبه آن هر سال انحراف استاندارد فرصت سرمایه گذاری خاص شرکت های (FIOS) هر صنعت را بدست می آوریم و در ۱- ضرب می کنیم. مقدار بالای HIOS (انحراف کمتر) نشان دهنده همگنی بیشتر فرصت سرمایه گذاری در محدوده آن صنعت است.

متغیرهای کنترلی

LNASSETS = لگاریتم طبیعی کل دارایی ها (برحسب میلیون ریال) است.

QUICK = نسبت آنی، نقدینگی شرکت را دقیق تر بیان می کند و توان پرداخت بدهی های جاری از محل دارایی های جاری را بیان می کند همچنین نسبت آنی برای کنترل ریسک حسابرسی مورد استفاده قرار می گیرد که بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر دارد.

نسبت آنی برابر است با: (بدهی جاری)/(پیش پرداخت - موجودی کالا- دارایی های جاری).

LNSUB = لگاریتم طبیعی تعداد شرکت های فرعی و وابسته که به عنوان شاخصی از پیچیدگی واحد تجاری به کار می رود (انجی و تای، ۱۹۹۴).

CATA = نسبت دارایی جاری به کل دارایی ها است

FOREIGN = نسبت صادرات به کل فروش

LOSS = زیان خالص (اگر شرکت زیان گزارش کند یک در غیر این صورت مقدار صفر می گیرد).

OPINION = اگر اظهار نظر تداوم فعالیت گزارش شده باشد یک در غیر این صورت صفر.

BIG = اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی گردد مقدار آن برابر یک و اگر توسط موسسه حسابرسی شود مقدار آن صفر خواهد بود.

ROA = ما سودآوری را با استفاده از بازده دارایی ها کنترل می کنیم، برای محاسبه این معیار از نسبت سود قبل از مالیات و هزینه بهره (سود شرکت) بر مجموع دارایی های شرکت استفاده شده است (چانگ، ۲۰۰۹).

DE = نسبت بدهی بلندمدت به حقوق صاحبان سهام که نشان دهنده این موضوع است که شرکت برای تامین مالی دارایی هایش چه درصدی از حقوق صاحبان سهام و بدهی استفاده می کند.

یافته های پژوهش

خلاصه کمیت های آماری متغیرهای تحقیق را نشان می دهد:

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	میانه	میانگین	نماد	نام متغیر
۰.۸۱۰	۸.۱۹۴	۲.۳۰۲	۶.۲۳۴	۶.۲۴۶	LNFEES	لگاریتم حق الزحمه حسابرسی
۶.۱۲۰	۵۶.۸۲۳	-۲۷.۲۱۶	۰.۶۶۵	۱.۱۹۰	FIOS	فرصت سرمایه گذاری خاص شرکت
۱.۲۳۹	۷.۱۹۰	-۰.۶۲۸	۰.۴۴۱	۰.۹۶۴	IIOS	گسترده گی فرصت سرمایه گذاری
۱۲.۹۵۰	-۰.۳۹۲	-۷۸.۷۸۳	-۳.۵۵۸	-۷.۱۶۴	HIOS	همگنی فرصت سرمایه گذاری

۱.۲۶۶	۱۶.۹۲۵	۹.۲۷۰	۱۳.۳۴۲	۱۳.۳۲۴	LNASSETS	لگاریتم کل دارایی ها
۲.۰۳۴	۴۳.۷۹۰	۰.۰۰۱۴	۰.۷۷۷	۰.۷۴۸	QUICK	نسبت آنی
۰.۷۹۵	۳.۶۶۳	۰.۰۰۰	۱.۷۹۲	۱.۷۵۵	LNSUB	لگاریتم تعداد شرکت های فرعی و وابسته
۰.۲۰۸	۰.۹۷۳	۰.۰۰۳۷	۰.۶۶۴	۰.۶۲۸	CATA	دارایی جاری به کل دارایی
۰.۱۷۷	۰.۹۸۹	۰.۰۰۰	۰.۰۲۱	۰.۰۹۲	FOREIGN	نسبت صادرات به کل فروش
۰.۱۴۲	۰.۶۴۰	-۰.۲۵۵	۰.۱۰۳	۰.۱۲۶	ROA	بازده دارایی ها
۲.۱۶۲	۳۱.۴۰۲	-۲۳.۹۶۱	۰.۱۲۴	۰.۲۴۳	DE	نسبت بدهی بلندمدت به حقوق صاحبان

فرایند انتخاب مدل برای آزمون داده ها

برای برازش مدل مناسب از بین روش داده های تلفیقی و روش پانلی با اثرات ثابت از آزمون تشخیصی F لیمر استفاده می شود. همانطور که در جدول ۲ مشاهده می کنید چون P - مقدار کمتر از ۵ درصد است لذا در سطح خطای ۵ درصد مدل انتخابی روش پانلی است. بنابراین باید در مدل پانلی، مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات تصادفی آزمون گردد، که برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می شود. چون P - مقدار آزمون هاسمن کمتر از ۵ درصد است لذا در سطح خطای ۵ درصد روش اثرات ثابت برای برازش مدل استفاده می شود. حال به بررسی وجود یا عدم وجود خود همبستگی سریالی میان اجزای اخلاص (خطای مدل) می پردازیم بدین منظور از آزمون بروش - گادفری ۱ استفاده می کنیم. با توجه به جدول فوق چون P - مقدار بیشتر از ۵ درصد است پس در سطح خطای ۵ درصد فرضیه صفر تایید می شود یعنی خود همبستگی سریالی میان اجزای اخلاص وجود ندارد و روش پانلی با اثرات ثابت مدل نهایی جهت آزمون فرضیه ها می باشد.

جدول ۲: نتایج آزمون لیمر، هاسمن و گادفری برای انتخاب مدل مناسب

نتیجه	بروش گادفری	هاسمن	F لیمر	آزمون
روش پانلی با اثرات ثابت	۰.۷۳۹	<۰.۰۰۱	<۰.۰۰۱	p- مقدار
	۰.۱۱۰۳	۷۷.۴۰۰	۳.۴۳۰	آماره کای دو

در جدول ۳ نتایج حاصل از تحلیل پانلی بیان گردیده است.

جدول ۳: نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها

متغیرهای توضیحی	ضرایب متغیر در مدل	مقادیر آماره t	p- مقدار	نتیجه گیری
FIOS	۰.۰۶۸	۰.۹۲۸	۰.۳۵۳	عدم معناداری در مدل
SPEC	۰.۵۴۳	۱.۰۷۷	۰.۲۸۱	عدم معناداری در مدل
IIOS	- ۰.۱۰۲	- ۰.۰۴۱	۰.۹۶۶	عدم معناداری در مدل
HIOS	- ۰.۰۲۳	- ۰.۲۸۴	۰.۷۷۵	عدم معناداری در مدل
LNASSETS	۰.۶۵۹	۸.۴۵۵	۰.۰۰۱*	معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد
CATA	۰.۱۱۳	۳.۶۰۱	۰.۰۰۰۳*	معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد
DE	- ۰.۰۰۷	- ۰.۶۵۷	۰.۵۱۱	عدم معناداری در مدل
ROA	- ۰.۰۵۴	- ۰.۵۱۰	۰.۶۱۰	عدم معناداری در مدل
QUICK	- ۰.۰۰۳	- ۱.۱۱۴	۰.۲۶۶	عدم معناداری در مدل
LNSUB	۰.۰۲۲	۰.۳۵۲	۰.۷۲۴	عدم معناداری در مدل
FOREIGN	۰.۰۶۲	۰.۴۷۴	۰.۶۳۵	عدم معناداری در مدل
LOSS	۰.۰۹۲	۰.۸۷۷	۰.۳۸۰	عدم معناداری در مدل
OPINION	۱.۳۲۱	۲.۴۰۳	۰.۰۱۶*	معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد
BIG	۰.۱۷۶	۱.۲۴۰	۰.۲۱۵	عدم معناداری در مدل
FIOS:SPEC	- ۰.۰۸۰	- ۱.۰۸۸	۰.۲۷۷	عدم معناداری در مدل
IIOS:HIOS	- ۰.۰۲۶	- ۰.۰۹۱	۰.۹۲۷	عدم معناداری در مدل
SPEC:IIOS	۰.۰۴۱	۰.۰۱۶	۰.۹۸۶	عدم معناداری در مدل
SPEC:HIOS	۰.۰۳۳	۰.۴۰۴	۰.۶۸۶	عدم معناداری در مدل
SPEC:IIOS:HIOS	۰.۰۲۳	۰.۰۸۲	۰.۹۳۴	عدم معناداری در مدل
مقادیر آزمون آزمون F	۶/۹۷۸		P - مقدار	< ۰.۰۰۱
نتیجه کفایت مدل: چون P - مقدار کمتر از ۵ درصد است پس مدل معنادار است.				

نتایج آزمون فرضیه ها

در فرضیه اول پژوهشگر به دنبال این مسئله است که آیا فرصت سرمایه گذاری بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی تاثیر دارد؟ که برای بررسی این فرضیه از تعامل بین FIOS* SPEC استفاده شده است، SPEC یک متغیر مجازی است در صورتی که حسابرس متخصص صنعت باشد عدد یک و در غیر این صورت

عدد صفر تعلق می گیرد و FIOS فرصت سرمایه گذاری خاص شرکت را نشان می دهد. نتایج رگرسیون بیانگر این موضوع است که ضریب این متغیر (α_2) در مدل از لحاظ آماری معنادار نیست، زیرا در سطح خطای ۵ درصد اولاً مقدار t بدست آمده کوچکتر از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.975} = 1.96$) بوده و همچنین p -مقدار محاسبه شده بیشتر از ۵ درصد است.

در نتیجه فرضیه تحقیق رد می شود. با توجه به این که SPEC و FIOS نیز در مدل معنادار نشده اند نشان می دهد که در تعیین حق الزحمه حساسی به فرصت سرمایه گذاری خاص شرکت توجه نمی شود، در حالی که ما انتظار داشتیم همانطور که فرصت سرمایه گذاری خاص شرکت افزایش می یابد، فرصت رشد مشتریان متفاوت تر، کار حساسی سخت تر و ریسک حساسی بیشتر می شود در نتیجه برای اینکه حساسی با کیفیت تری ارائه شود نیاز به حساسان متخصص است که آنها نیز برای متخصص شدن سرمایه گذاری هنگفتی انجام می دهند پس حساسان متخصص حق الزحمه بیشتری دریافت خواهند کرد. نتایج این فرضیه مشابه نتایج تحقیق لاونسون و همکاران (۲۰۰۷) و علوی، رباطی و یوسفی اصل (۱۳۹۱) و مغایر نتایج تحقیق واعظ و همکاران (۱۳۹۳) است.

در فرضیه دوم پژوهشگر به دنبال این مسئله است که آیا گستردگی فرصت سرمایه گذاری بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حساسی تاثیر دارد؟ که برای بررسی این فرضیه از تعامل بین $IIOS * SPEC$ استفاده شده است، $IIOS$ گستردگی فرصت سرمایه گذاری را در صنعت نشان می دهد. نتایج رگرسیون بیانگر این موضوع است که ضریب این متغیر (α_7) در مدل از لحاظ آماری معنادار نیست. در حالی که ما حدس می زدیم چون حساسان برای شناخت صنایع با فرصت سرمایه گذاری گسترده نیاز به شناخت و دانش بیشتری دارند و با مشکلات بیشتری در حساسی مواجه می شوند پس گستردگی فرصت سرمایه گذاری منجر به افزایش حق الزحمه شود پس تاثیر دارد. نتایج این فرضیه مغایر نتایج تحقیق کاهان و همکاران (۲۰۱۴) و بیلز و همکاران (۲۰۱۴) می باشد.

در فرضیه سوم به این موضوع پرداخته می شود که آیا همگنی فرصت سرمایه گذاری بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حساسی تاثیر دارد؟ که برای بررسی این فرضیه از تعامل بین $IIOS * SPEC$ استفاده شده است، $IIOS$ همگنی فرصت سرمایه گذاری را در صنعت نشان می دهد نتایج رگرسیون بیانگر این موضوع است که ضریب این متغیر (α_8) در مدل از لحاظ آماری معنادار نیست. در حالی که ما انتظار داشتیم چون سطح شناخت در صنایع همگن نزدیک به هم است منجر به کاهش حق الزحمه شود. نتایج این فرضیه مغایر نتایج تحقیق گادفری و همپلتون (۲۰۰۵) می باشد.

در فرضیه چهارم به این موضوع پرداخته می شود که آیا همگنی و گستردگی فرصت سرمایه گذاری تواما بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حساسی تاثیر دارد؟ که برای بررسی این فرضیه از تعامل بین $IIOS * SPEC$ استفاده شده است نتایج رگرسیون بیانگر این موضوع است که ضریب این متغیر (α_9) در مدل از

لحاظ آماری معنادار نیست. با توجه به فرضیه های قبلی چون همگنی فرصت سرمایه گذاری و گستردگی فرصت سرمایه گذاری تأثیری بر رابطه بین تخصص و حق الزحمه حسابرسی نداشته اند پس همگنی و گستردگی فرصت سرمایه گذاری به طور هم زمان نیز تأثیری نخواهند داشت. نتایج این فرضیه مغایر نتایج تحقیق کاهان و همکاران (۲۰۱۱) می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج حاصل از تحلیل فرضیه ها نشان می دهد که در تعیین حق الزحمه به فرصت سرمایه گذاری خاص شرکت ها و همگنی و گستردگی فرصت سرمایه گذاری صنایع توجه نمی شود، همچنین چون سرمایه گذاران در سطح مطلوبی از گزارش های حسابرسی استفاده نمی کنند دلیلی وجود ندارد تا هزینه بیشتری صرف گزارش های دقیق تر کنند و از حسابرسان متخصص استفاده کنند. در کشور ما مبنای مشخصی برای تعیین حق الزحمه حسابرسی مالی وجود ندارد و بعضاً قضاوت های حرفه ای حسابرسان منجر به پیشنهادهای ضد و نقیضی برای تعیین حق الزحمه حسابرسی می گردد که تناسبی با یکدیگر ندارد .

با توجه به اینکه در کشورهای پیشرفته جهان مبلغ حق الزحمه حسابرسی افشا می شود اما در کشور ما قانون و الزامی برای افشا وجود ندارد و برخی از شرکت ها حق الزحمه حسابرسی را افشا نمی کنند، به محققان آتی پیشنهاد می شود دلایل عدم افشا و مزایا افشا بررسی شود.

منابع

اعتمادی، حسین، محمدی، امیر و ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های حسابداری مالی، شماره ۱، صص ۱۷-۳۲.

تنانی، محسن و نیکبخت، محمد رضا. (۱۳۸۹). آزمون عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی صورت های مالی. پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۱۱-۱۳۲.

تهرانی، رضا و نوربخش، عسگر. (۱۳۸۲). مدیریت سرمایه گذاری، تهران: انتشارات نگاه دانش.

حساس یگانه، یحیی و علوی طبری، حسین. (۱۳۸۲). رابطه بین منابع صرف شده بر روی حسابرسی داخلی و مخارج حسابرسی مستقل، فصلنامه مطالعات حسابداری، سال اول، شماره ۴، صص ۷۲-۹۶.

رجبی، روح الله. (۱۳۸۳). عوامل موثر بر قدرت حرفه ای حسابرس مستقل، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده مدیریت و حسابداری

رضایی، نواب و گرکز، منصور. (۱۳۹۲). اثر تغییرات سرمایه در گردش بر فرصت های سرمایه گذاری، فصلنامه مدیریت دارایی و تامین مالی، سال اول، شماره ۳، صص ۹۹-۱۱۸

شورورزی، محمدرضا و آزادوار، ایمان. (۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل ارتباط میان فرصت های سرمایه گذاری و عملکرد شرکت ها. مجله حسابداری مدیریت، شماره ۵، صص ۵۰-۵۷.

علوی طبری، حسین، رباط میلی، و فرزانه یوسفی اصل، مژگان. (۱۳۹۱). مسئله نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل آزمونی مبتنی بر فرضیه جریان های نقدی آزاد، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۹۷-۱۲۲.

واعظ، سیدعلی، احمدی، محمد رمضان و رشیدی باغی، محسن. (۱۳۹۳). تاثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت ها، دانش حسابداری مالی، دوره یک، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۷.

Ball, R., Jayaraman, S. & Shivakumar, L. (2012). Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: a test of the confirmation hypothesis. Journal of Accounting and Economics, 53 (1-2): 136-166.

Bills, K. L., Jeter, D. C., & Stein, S. E. (2014). Auditor industry specialization and evidence of cost efficiencies in homogenous industries. The Accounting Review, 90(5), 1721-1754

Cahan, S. F., Godfrey, J. M., Hamilton, J., & Jeter, D. C. (2008). Auditor specialization, auditor dominance, and audit fees: The role of investment opportunities. The Accounting Review, 83(6), 1393-1423.

Cahan, S. F., Godfrey, J. M., Hamilton, J., & Jeter, D. C. (2014). The Association between Client-specific Investment Opportunities and Audit Fees of Industry Specialists and Non-Specialists. International Journal of Auditing, 19(2), 57-71

Cahan, Steven F., Debra C. Jeter, and Vic Naiker. (2011). Are all industry specialist auditors the same? Auditing: A Journal of Practice & Theory 30(4), 191-222.

- Cairney, T., and G. Young. (2006). *Homogeneous industries and auditor concentration: An indication of production economics*. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 25 (1): 49-67.
- Carcello, J. V., Hermanson, D. R., Neal, T. L., & Riley, R. A. (2002). *Board Characteristics and Audit Fees*. *Contemporary Accounting Research*, 19(3), 365-384.
- Carson, E., & Fargher, N. (2007). *Note on audit fee premiums to client size and industry specialization*. *Accounting & finance*, 47(3), 423-446.
- Chang, C., Lee, A. C., & Lee, C. F. (2009). *Determinants of capital structure choice: A structural equation modeling approach*. *The quarterly review of economics and finance*, 49(2), 197-213.
- Chi, W., Lisic, L. L., & Pevzner, M. (2011). *Is enhanced audit quality associated with greater real earnings management*. *Accounting Horizons*, 25(2), 315-335.
- Choi, J.-H., J.-B. Kim, X. Liu, and D. A. Simunic (2008). *Audit pricing, legal liability regimes, and Big 4 premiums: Theory and cross-country evidence*. *Contemporary Accounting Research* 25 (1): 55-99.
- Cristina, de Fuentes Eva Sierra , (2015), *Industry specialization and audit fees: a meta-analytic approach*, *Academia Revista Latinoamericana de Administración*, 28 (3), 419 - 435
- Duellman, S., Hurwitz, H. & Sun, Y. (2015). *Managerial Overconfidence and Audit Fees*. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2):148-165.
- Francis, J. R., & Seavey , S. E. (2012). *Industry complexity, earnings quality, and auditor expertise*. *Working paper*, University of Missouri, Columbia, and University of Nebraska.
- Godfrey, J. M., and J. Hamilton.(2005). *The impact of R&D intensity on demand for specialist auditor services*. *Contemporary Accounting Research* 22: 55-93
- Griffin, P. A., Lont, D. H., & Sun, Y. (2010). *Agency problems and audit fees: further tests of the free cash flow hypothesis*. *Accounting & Finance*, 50(2), 321-350.
- Hay, D., Jeter, D. (2011), *The Pricing of Industry Specialisation by Auditors in New Zealand*, *Accounting and Business Research* 41, 2, 171-195
- Karim, A. K. M. (2010). *Audit Pricing, Audit Concentration, and Big-4 Premium in Bangladesh*. *Audit Pricing, Audit Concentration, and Big-4 Premium in Bangladesh* (February 23, 2010).
- Krishnan, G. V. (2003). *Does Big 6 auditor industry expertise constrain earnings management?*. *Accounting horizons*, 17, 1-16.
- Kwon, S. Y. 1996. *The impact of competition within the client's industry on the auditor selection decision*. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 15,53-69.
- Lowensohn, S., Johnson, L. E., Elder, R. J., & Davies, S. P. (2007). *Auditor specialization, perceived audit quality, and audit fees in the local government audit market*. *Journal of Accounting and Public Policy*, 26(6), 705-732.
- Myers, S. C. (1977). *Determinants of corporate borrowing*. *Journal of financial economics*, 5(2), 147-175.
- Mayhew, B. W., & Wilkins, M. S. (2003). *Audit firm industry specialization as a differentiation strategy: Evidence from fees charged to firms going public*. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22(2), 33-52.
- Ng, P. P., & Tai, B. Y. (1994). *An empirical examination of the determinants of audit delay in Hong Kong*. *The British Accounting Review*, 26(1), 43-59.
- Palmrose, Z. (1986). *Audit fees and auditor size: further evidence*, *Journal of Accounting Research*, 24, 97-110.
- Tsui, J. S., Chen, C. J. & Gul, F. A. (2003). *Discretionary Accounting Accruals Managers Incentives and Audit Fees*. *Contemporary Accounting Research*, 20 (3), 441 – 464.
- Wang, K., Sewon, O., & Iqbal, Z. (2009). *Audit pricing and auditor industry specialization in an emerging market: Evidence from China*. *Journal of international accounting, auditing and taxation*, 18(1), 60-72.